

فرهنگستان، مصداق شدن عیدسعید غدیرباروز جمعهباعث شد

تا شرایط برای حضور حداکثری مردم در میهمانی ۱۰ کیلومتری مهیا شود. میهمانی که یک سر جمعیت آن به میدان امام حسین وصل می شد و بسر دیگر آن نیز پای های برج آزادی را لمس می کرد. این دومین سال است که جشن عید غدیر به وسعت چندین کیلومتر با استقبال گسترده مردمی در خیابان های تهران برگزار می شود. استقبالی که پیام های مهمی از جامعه ایران را به جهان مخابره می کند به ویژه آنکه به خاطر بیابوریم در چندماه اخیر ارتش رسانه‌ای معاندان تلاش های زیادی برای ارائه تصویری وارونه از واقعیت ایران را به کار گرفته اند و حال باید نظاره گر شکست پروژه آشوب افکنی خود باشند. ناخوشایند بودن این شکست طبعاً این رسانه‌ها را به سمتی سوق می دهد که چشم بر واقعیت بسته و از کنار اتفاق بزرگی که شب گذشته رخ داده است، عبور کنند. بزرگی این اتفاق اما امکان نادیده انگاری را تا حد زیادی سلب کرده و برافروختگان از همبستگی ملی ایرانیان را به وادی تخریب جشن غدیر سوق داده است. در ادامه به مرور برخی از اثرات میهمانی ۱۰ کیلومتری پرداخته ایم.

پیام دینداری ایرانیان

یکی از مهم ترین اهداف از آشوب های سال گذشته محل مناقشه قرار گرفتن حجاب به عنوان یک مفهوم اجتماعی این بود که جامعه ایرانی یک جامعه بی دین و حتی در تضاد با دینداری نمایش داده شود. این هدف در روزهای آشوب محقق نشده و اقدامات اپوزیسیون با عدم اقبال عمومی مواجه شد. در مقابل اما جامعه ایران در مناسبت های مختلف هم دینداری خود را نشان داده و هم با حضور حداکثری بر این مهم تاکید ورزیده است. اوج این نمایش را نیز در میهمانی ۱۰ کیلومتری شاهد بودیم. جایی که مردم با سلاطین فرهنگی متفاوت در جشنی که به مناسبت یک رویداد مذهبی برگزار شد حضور یافتند.

تصویری شادی آفرین از دین

یکی از مهم ترین دستور کارهای جریان معاند برای تخریب وجهه دین مانور رسانه ای گسترده روی این گزاره است که دینداران افرادی غمزده و غرق در افسردگی هستند که مناسک شان صرفاً به مراسمات مذهبی محرم و صفر خلاصه می شود. این نوع روایتگری غلط اگرچه مواجهه ای ظاهر گراییانه است که در آن اثرات مثبت مناسک عزاداری بر روح و روان افراد نادیده انگاشته شده است اما همین مواجهه ظاهر گراییانه نیز با رویدادهایی نظیر

گفت و گو

ناصر ایمانی، تحلیلگر مسائل سیاسی در گفت و گو با «فرهنگستان»:

ریشه انتقادات وارد به این جشن به نظریه جدایی دین و حکومت می رسد

جایی بروز و ظهور دارند که غم و عزاداری وجود دارد. استناد این ادعاها به مراسم عزاداری متنوع و گسترده شیعیان بود. به همین ترتیب همواره ادعا می شد که شیعیان به طور کلی شادی ندارند یا حداقل شادی های بسیار محدودی دارند. تا پیش از این مراسم، تنها مراسم مذهبی سنتی گسترده ای که شادی در آن وجود داشت مراسم نیمه شعبان بود که باز هم حضور مردم در این جشن ها گسترده نبود. توجه داشته باشید که به صورت کلی در مورد چند قرن گذشته تا امروز صحبت می کنیم؛ نه صرفاً سال های اخیر. نکته حائز اهمیت این مراسم جدید این است که مانند مراسم تاسوعا و عاشورا که در خیابان برگزار می شوند، جشن و شادی مربوط به مناسبت های مذهبی را به داخل خیابان ها می آورند. این اتفاق باعث می شود تشیعه دیگر در بخشی از افکار عمومی به عنوان مذهب اندوه شناخته نشود و نشان داده شود که شادی هم در مذهب تشیع نقش پررنگی دارد. برخی جامعه شناسان اساساً معتقدند که مقوله دین به طور کلی با خنده و شادی مردم میانه خوبی ندارد؛ برگزاری این مراسم به زودن چنین مسائلی از افکار بخشی از مردم کمک شایانی می کند. گسترش بیش از پیش این اتفاقات در همه نقاط کشور بسیار مفید است و می تواند اثرات بسیار خوبی در زمینه هایی که گفته شد، داشته باشد. اما به هر حال همیشه افرادی هستند که معترضند و عمده این اعتراض ها هم به نگاه سیاسی این افراد برمی گردد، زیرا عده ای به تمام مسائل از بعد سیاسی آن می نگرند. البته باز هم تاکید می کنم منظور این نیست که این مراسم کاملاً بدون نقض برگزار شده؛ برخی ایرادات همیشه وجود دارند. در مراسم عزاداری محرم هم همیشه معایبی از جهات مختلف از جمله نوع برخی عزاداری ها و حرف هایی که در مراسم زده می شوند، وجود داشته است. اما ارزیابی از کلیت این مراسم حتماً مثبت است.

در سال های اخیر، خصوصاً بعد از وقایع سال گذشته، برخی تلاش داشتند که با پرزنگ کردن برخی مظاهری که حاکی از فاصله گرفتن مردم از دین بود، روند دینداری در جامعه ایران را نزولی نشان دهند اما حضور گسترده مردم در این جشن منحصراً به تهران هم نبود، چیزی دیگر را نشان می داد. نظر شما در این باره چیست؟

همان طور که اشاره کردید علی رغم برخی تلاش ها و تبلیغات، این مناسبت ها به خوبی نشان می دهند که مردم به معنای دقیق کلمه دیندارند و پیوندهای خود را با مناسبت های دینی حفظ کرده اند، حتی اگر بخشی از این شرکت کنندگان ایرادهای جدی به خیلی از مسائل سیاسی و اقتصادی کشور داشته باشند- که حتماً هم دارند- وقتی پای مناسبت های مذهبی به میان می آیند به خوبی این مسائل را از یکدیگر تفکیک می کنند. این به معنای رضایت همه شرکت کنندگان از شرایط سیاسی موجود نیست اما بخشی از جامعه که حتی بعضی از روشنفکران ما را نیز شامل می شود، مانند عامه مردم توانایی تفکیک این مسائل را از یکدیگر ندارند. حضور مردم در جشن عید غدیر و خنده و شادی آنها به معنای رضایت شان از حکومت نیست و اگر هم برخی مسئولان چنین تصویری دارند حتماً اشتباه می کنند. مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن هم شرکت می کنند و درعین حال انتقادهایی جدی دارند. اما مردم به درستی مسائل مختلف را از هم تفکیک می کنند، برای دفاع از اصل نظام در راهپیمایی شرکت می کنند اما انتقادهای خود را به شرایط موجود کنار نمی گذارند. در مورد جشن غدیر به همین صورت است؛ انتقادهای به شرایط موجود باعث نمی شود که مردم احترام به امیرالمومنین (ع) را کنار بگذارند.

سیاست

جشن چند میلیونی غدیر برخی تحلیل های کلاسیک به اسم جامعه شناسی را زیر سوال برد

آقایان! خانم ها! این صدای جامعه ای دیندار و متکثر است

زنده باد واقعیت



خود به عنوان یگانه نمادی شادی در جهان به خورد مخاطب می دادند. این تصاویر اما در جامعه ایرانی بارها تکرار شده اما یکبار هم در رسانه های غربی باز نشر نشده تا مبادا خنده ای به تصور دروغینی وارد شود که از خاورمیانه جنگ زده در ذهن اروپائیشینان و ساکنان آمریکا ساخته شده است.

ایرادگیران همیشه ناراضی

هر بار که رخدادی با این عظمت در ایران برگزار می شود طیفی از منتقدان نیز وارد شده و بدون اینکه ذره ای از اثرات مثبت آن خرسند باشند صرفاً حجم انبوهی از انتقادات مستدل و غیرمستدل را مطرح می کنند. فارغ از ایراد کلیشه ای ترافیک

مردم دیندار هم می توانند منتقد باشند

در مقابل رویکرد ایرادگیران، رویکرد دیگری نیز وجود دارد که به خطا حضور مردم در مناسک دینی را به معنی رضایت آنها از جمیع ساختارهای حکمرانی قلمداد کرده و به این طریق مطالبه اصلاح از جانب مردم را به حاشیه می راند. حال آنکه این دو امر هیچ منافاتی با یکدیگر نداشته و افرادی با تعلقات مذهبی عمیق و پایبند به اصول نیز می توانند نسبت به مشکلات معیشتی و ایرادات ساختاری منتقد باشند و مسئولان مخاطب این انتقادها نباید با دستاویز قرار دادن دینداری مردم، خود را از پاسخگویی معاف بدانند.

ابراهیم فیاض، استاد مردم شناسی دانشگاه تهران در گفت و گو با «فرهنگستان»:

جشن غدیر با ایجاد احساس تعلق اجتماعی در میان مردم خشونت را از بین می برد

اجتماعی دارد را جبران کنند، در اجتماع حضور پیدا می کنند. مهم ترین مبارزه با اثرات منفی شبکه های اجتماعی، حضور اجتماعی مردم در این مناسک است و باعث می شود مردم، احساس تعلق عمومی کنند. در گذشته مراسم عظیم ملی و گسترده، مراسم عزاداری مثل محرم بود. الان برگزاری جشن ها هم تبدیل به مراسم عظیم و گسترده شده و در واقع یک انقلاب در مراسم مذهبی به وجود آمده است. که دیگر فقط مراسمی مثل محرم گسترده نیست، بلکه الان مراسمی مثل جشن تولد امام زمان و عید غدیر هم به صورت گسترده برگزار می شود.

با توجه به اینکه برخی سعی دارند این طور القا کنند که جامعه و مردم ایرانی دین گریز شده اند، حضور مردم در چنین اجتماعاتی عملاً این گزاره را منتفی می کند. تحلیل شما از این موضوع چیست؟

اینها آرزوهایشان را بیان می کنند که مردم شرکت نکنند، چون می دانند اگر مردم در این اجتماعات شرکت کنند آنها دیگر جایی بین مردم نخواهند داشت. این افراد غریب گرا هستند و با فرهنگ بومی و ملی ما ارتباطی ندارند و نه فقط با عید غدیر و تولد امام زمان، بلکه با محرم هم که در واقع یک فستیوال جهانی و ملی است که مردم حتی در روستاها نیز شرکت می کنند، همین قصه را دارند. اتفاقاً جامعه بعد از این همه اغتشاش در حال بازسازی خودش است، مثل این است که بعد از آمدن یک طوفان یا رخ دادن یک آتش سوزی، درختان سوخته شده خودشان را بازسازی کرده و درختان جدید رشد می کنند. اگر دوستان مقداری علوم اجتماعی خوانده باشند می دانند بعد از هر اغتشاش یا هر عرابی، مردم یک مراسم جشن می گیرند تا آن اتفاق جبران شود. مثل فیلم «زیر درختان زیتون کیارستمی» که بعد از زلزله رودبار یک جشن عروسی خیلی ساده برگزار می شود. بعد از عزا یک جشن برگزار می شود که مقداری فضا را تعدیل کند. این سیستم و نظام جامعه بشری است. الان در ایران بعد از این همه اغتشاشات و بحران هایی که غربی ها و برخی روشنفکران و دیگران ایجاد کردند، می بینید که دارد برعکس می شود و مردم این کارها را انجام می دهند که آرامش پیدا کنند. یقیناً سرمایه های اجتماعی با این قبیل کارها اوج پیدا می کند و مشارکت همراه با خلاقیت، باعث می شود خیلی از بحران ها فروکش کند.

در اجتماع روز گذشته تقریباً نکتھر جامعه ایرانی به وضوح دیده می شد، این نوع حضور مردم به نظر شما چقدر می تواند در کاهش شکاف های اجتماعی و فاصله گرفتن از دو قطبی سازی جامعه موثر باشد؟

وقتی فراساختارها قوی می شوند، تضادهای ساختاری را از میان می برند. کلاً مناسک ها باعث مدنیت اجتماعی می شوند. نتیجه سیاسی هم دارند اما بیشتر باعث مدنیت اجتماعی می شود و این همبستگی اجتماعی را اوج می دهد و احساس تعلقات اجتماعی و ملی مردم اوج می گیرد. یک نکته را اینجا بگویم، تمام این بحث بی حجابی و بدحجابی که دشمن به آن دامن می زند، آن محور اساسی شان نیست. دشمن به دنبال ناآرام کردن، خشن کردن و پرخاشگر کردن جامعه ایران است. مثلاً در تهران می خواهد یک باد بیاید، اینها طوری تبلیغ می کنند که تهران را ناام و ناآرام کنند. حتی از وقایع طبیعی هم برای ناآرام کردن جامعه نمی گذرند. وقتی که ساختاری مثل این مراسم به وجود می آید که باعث همبستگی اجتماعی می شود، اینها کلافه می شوند.